Supreme National Defense University Quarterly Journal of National Security
https://ns.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8251
Vol. 16, No. 1, Issue. 59, Spring 2026 **Received:** 2025/11/07 **Accepted:** 2026/02/28
Research paper

Identifying the Dimensions and Components of Social Resilience in Crisis Management: A Focus on the Hijab Issue

Zahra Zarei Mahmoudabadi
Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: z.zareimahmoudabadi@iau.ir
Mohammad Ali Khosravi
Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: moh.khosravi@iauctb.ac.ir
Amir Masoud Amirmazaheri
Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: 0053216911@iau.ir

Abstract
The issue of hijab in Iran, due to its close association with cultural identity and religious values, has become a significant sociocultural challenge. Effective management of this issue requires an understanding of the capacities that contribute to social resilience within society. The present study aimed to identify the dimensions and components of social resilience in crisis management with particular emphasis on the issue of hijab. This applied study adopted a qualitative approach within an interpretive paradigm and employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 25 experts in sociology, social psychology, political science, and cultural management who were selected using purposive sampling. The findings resulted in the identification of 84 basic themes, 20 organizing themes, and four global themes. The global themes comprised "collective bonds and social capital," including social cohesion, social divisions, and social trust; "interactive processes and individual actions," including social dialogue, conflict management, individual skills, and reference groups; "governance structures and mechanisms," including the role of institutions and leaders, cultural policymaking, political policymaking, polarization, and local policymaking; and "meaning-making and symbolic contexts and resources," including cultural identity, identity conflicts, mental well-being, cultural tools, education, and local participation. The findings indicate that social resilience in relation to the issue of hijab is a multilevel phenomenon and that strengthening such resilience may contribute to reducing social tensions and enhancing national cohesion.

Keywords: Social Resilience; Crisis Management; Hijab; Social Cohesion; Cultural Policymaking

فصلنامه امنیت ملی

سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۵۹)، بهار ۱۴۰۵، صص. ۲۲۱-۲۵۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

مقاله پژوهشی

ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بحران با تأکید بر مسئله حجاب

زهرا زارعی محمودآبادی
گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: z.zareimahmoudabadi@iau.ir

محمدعلی خسروی
گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: moH.khosravi@IAUCTB.Ac.ir

امیرمسعود امیرمظاهری
گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: 0053216911@iau.ir

چکیده

مسئله حجاب در ایران به‌دلیل پیوند عمیق با هویت فرهنگی و ارزش‌های دینی، به یکی از چالش‌های اجتماعی-فرهنگی تبدیل شده است. مدیریت این مسئله مستلزم شناخت ظرفیت‌های تاب‌آوری اجتماعی در جامعه است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بحران با تأکید بر مسئله حجاب انجام شد. این مطالعه از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی در چهارچوب پارادایم تفسیری و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون صورت گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی و مدیریت فرهنگی و با نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شد. یافته‌ها به شناسایی ۸۴ مضمون پایه، ۲۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر منجر شد. مضامین فراگیر شامل «پیوندها و سرمایه‌های جمعی» (با مؤلفه‌های انسجام اجتماعی، شکاف‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی)، «فرایندهای تعاملی و کنش‌های فردی» (گفت‌وگوی اجتماعی، مدیریت تعارضات، مهارت‌های فردی و گروه‌های مرجع)، «ساختارها و سازوکارهای حاکمیتی» (نقش نهادها و رهبران، سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاری سیاسی، دوقطبی‌سازی و سیاست‌گذاری محلی) و «بسترها و منابع معنایی و نمادین» (هویت فرهنگی، تعارضات هویتی، سلامت روان، ابزارهای فرهنگی، آموزش و مشارکت محلی) هستند. نتایج نشان می‌دهد تاب‌آوری اجتماعی در مسئله حجاب پدیده‌ای چندسطحی است و تقویت آن می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی و ارتقای انسجام ملی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری اجتماعی، مدیریت بحران، حجاب، انسجام اجتماعی، سیاست‌گذاری فرهنگی

https://ns.sndu.ac.ir/ E-ISSN: 2980-8251

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

در جوامع اسلامی معاصر، حجاب به‌عنوان نمادی از هویت فرهنگی و دینی، نقش سازنده‌ای در تقویت انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. این پوشش که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد، ظرفیت جوامع برای حفظ ارزش‌های مشترک و افزایش تاب‌آوری در برابر چالش‌های فرهنگی را برجسته می‌سازد. در ایران، حجاب نه‌تنها به‌عنوان یک هنجار دینی، بلکه به‌مثابه عاملی برای هم‌بستگی اجتماعی عمل کرده و به پایداری ساختارهای خانوادگی و جامعه‌ای کمک می‌رساند (رضایی، ۱۴۰۰: ۳). ابعاد تاب‌آوری اجتماعی در این زمینه شامل مؤلفه‌های فردی مانند اعتمادبه‌نفس فرهنگی، اجتماعی مانند حمایت متقابل و اقتصادی مانند کاهش هزینه‌های ظاهرسازی است که شاخص‌های کلیدی برای مدیریت چالش‌های فرهنگی را فراهم می‌آورند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زنان ایرانی با پذیرش حجاب، حس تعلق به جامعه را تجربه می‌کنند و این امر به تحولات مثبت خانوادگی و اجتماعی می‌انجامد (احمدی، ۱۳۹۹: ۵). در بستر ایران، جایی که حجاب به‌عنوان ابزاری برای حفظ هویت جمعی به‌کار می‌رود، شناسایی شاخص‌هایی چون سرمایهٔ فرهنگی و انعطاف‌پذیری اجتماعی، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا راهبردهایی برای تقویت پیوندهای اجتماعی اتخاذ نمایند (کوک و همکاران[1]، ۲۰۲۳: ۷).

حجاب در جامعه ایران، از دوران پس از انقلاب، به‌عنوان محرکی برای افزایش امنیت اجتماعی و آرامش فردی عمل کرده است. پذیرش حجاب توسط زنان، نه‌تنها به کاهش تعارضات اجتماعی منجر شده، بلکه به‌عنوان عاملی برای تقویت روابط خانوادگی و جامعه‌ای شناخته می‌شود (چولکی، ۱۳۹۲: ۶). این پوشش، با تأکید بر عفاف و احترام متقابل، ظرفیت جامعه برای بازسازی ارزش‌های مشترک را افزایش می‌دهد. برای نمونه، مطالعات نشان می‌دهند که زنان با حجاب از سطوح بالاتری از امنیت روانی و اجتماعی برخوردارند و این امر به پایداری انسجام جامعه کمک می‌کند. وجود شاخص‌های کلیدی مانند هم‌بستگی فرهنگی و پشتیبانی اجتماعی، مدیریت چالش‌های روزمره را تسهیل می‌سازد و به رشد

1. Kwok

تاب‌آوری جمعی می‌انجامد. جنبه‌های فرهنگی حجاب، نظیر ترویج احترام به حریم خصوصی، تاب‌آوری زنان را در تعاملات اجتماعی تقویت می‌کند (کیال و علی[1]، ۲۰۲۳: ۱۰).

انجام پژوهش در این حوزه، به سبب نقش سازنده حجاب در پاسداشت انسجام جامعه، ضروری است. ابعاد اجتماعی تاب‌آوری، شامل هم‌بستگی گروهی و ارزش‌های مشترک، از طریق حجاب در رویارویی با تغییرات فرهنگی، تقویت می‌شوند (کوک و همکاران، ۲۰۲۳: ۷). در ایران، پذیرش حجاب توسط زنان به‌عنوان نمادی از تعهد فرهنگی توصیف‌شده که از خانواده به سطوح جامعه‌ای گسترش می‌یابد (دلپذیر و صادقی[2]، ۲۰۲۴: ۱۲). از منظر اجتماعی، شناسایی شاخص‌ها می‌تواند به افزایش اعتماد جمعی و مشروعیت هنجارهای فرهنگی یاری رساند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که حجاب با کاهش تمرکز بر ظاهر خارجی، به پیشرفت فردی و اجتماعی زنان کمک می‌کند و پذیرش آن از ۶۰ درصد در ۱۳۹۰ به ۷۵ درصد در ۱۴۰۲ افزایش‌یافته است (زهیر و حیات[3]، ۲۰۲۳: ۸). اهمیت فرهنگی این موضوع در برجسته‌سازی نقش حجاب به‌عنوان عامل تعالی اجتماعی نهفته است؛ این پوشش از طریق ترویج عفاف، تعاملات سالم را تقویت می‌کند (زری[4] و همکاران، ۲۰۲۳: ۵). در سطح جهانی، حجاب در جوامع اسلامی، الگویی برای مطالعه تاب‌آوری فرهنگی است، جایی که ارزش‌های دینی به انسجام ساختاری می‌انجامد (تیموری[5]، ۲۰۲۴: ۶).

چالش‌های فرهنگی کنونی جامعه ایران، نظیر نفوذ الگوهای غربی، ضرورت تقویت تاب‌آوری از طریق حجاب را دوچندان می‌کند (دلپذیر و صادقی، ۲۰۲۴: ۱۵). نیاز به سیاست‌گذاری بر پایه ارزش‌های دینی، بدون شناسایی شاخص‌هایی چون اعتماد فرهنگی و تعهد اجتماعی، رشد جامعه را محدود می‌سازد (آکینوانده[6] و همکاران، ۲۰۲۳: ۹). افزایش آگاهی از فواید حجاب، از آرامش فردی تا هم‌بستگی جمعی، پذیرش آن را الزامی می‌سازد؛ زنان با حجاب از راه ارزش‌های خانوادگی، پایداری خود را حفظ می‌کنند (زری و همکاران،

1. Kayyal, Ali
2. Delpazir, Sadeghi
3. Zaheer, Hayat
4. Zarei
5. Teimouri
6. Akinwande

۲۰۲۳: ۷). دگرگونی‌های فرهنگی، مانند ادغام حجاب با پیشرفت اجتماعی از دوران معاصر، نشان‌دهنده تأثیر مثبت آن بر جامعه است (بی‌باک، ۱۳۹۹: ۲۰). این پژوهش می‌تواند به ترویج الگوهای موفق یاری رساند؛ با تمرکز بر تنوع فرهنگی و باورهای دینی، عدالت اجتماعی را پیشه کند (زهیر و حیات، ۲۰۲۳: ۱۰). علاوه بر این، پیوند میان حجاب و امنیت اجتماعی در زنان ایرانی، تأثیر آن بر هم‌بستگی جامعه را آشکار می‌سازد (فاضلیان، ۱۳۹۸: ۱۲). تاب‌آوری بر پایه ظرفیت‌های فرهنگی، مانند سازمان‌یافتگی دینی و فردی، در حفظ هنجارها، محوری است (قاسمی و صالحی نودز، ۱۴۰۲: ۱۸). نقش حجاب در مدیریت چالش‌های اجتماعی، از تغییرات فرهنگی تا اقتصادی، ظرفیت جوامع را برای پیشرفت افزایش می‌دهد (عابدی و شاه‌محمدی، ۱۴۰۱: ۱۰). در نهایت، الگوی کنش فرهنگی در پذیرش حجاب، تاب‌آوری را استوار می‌سازد و نیازمند بررسی مؤلفه‌های دینی است (میرزائی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴). وضعیت‌شناسی حجاب در جمهوری اسلامی، با احصای فواید، وضعیت مطلوب را روشن می‌سازد (قوی و امیرلو، ۱۴۰۰: ۲۲). تحلیل فواید اجتماعی حجاب، با تأکید بر تاب‌آوری فرهنگی، شاخص‌های کلیدی را شناسایی می‌کند (پناهی، ۱۴۰۲: ۲۵). این رویکردها، نه‌تنها برای ایران، بلکه برای جوامع اسلامی، مسیرهایی برای پیشرفت فراهم می‌آورند.

با وجود اجماع نظری گسترده در باب اهمیت حیاتی تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان سپری ضروری در برابر شوک‌ها و مشکل‌های همه‌گیر، ادبیات پژوهش داخلی ایران به شکلی بارز و قابل‌تأمل، بر اشکال دیگر تاب‌آوری، ازجمله تاب‌آوری اقتصادی در برابر تحریم‌ها، تاب‌آوری سازمانی در نهادهای حکمرانی و یا تاب‌آوری روان‌شناختی افراد، متمرکز بوده و از پرداختن به بُعد اجتماعی آن در مواجهه با مشکل‌های هویتی–فرهنگی غفلت ورزیده است. این در حالی است که جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر، درگیر مشکل‌های اجتماعی عمیق و پویایی شده که ریشه در گسل‌های هویتی، تفسیرهای متعارض از ارزش‌های دینی–ملی و کشمکش بر سر سبک زندگی داشته و نمونه آن را می‌توان در مسئله حجاب، به‌عنوان نمادی پیچیده از تقابل گفتمان‌های مختلف قدرت، فرهنگ و فردیت مشاهده کرد. هرچند مفاهیم هم‌سو و کلاسیکی مانند سرمایهٔ اجتماعی، انسجام یا هم‌بستگی جمعی مورد توجه قرار

گرفته‌اند؛ اما این مفاهیم به‌تنهایی فاقد ظرفیت تحلیلی لازم برای درک فرایند پویا، انطباقی و چندسطحی تاب‌آوری در برابر مشکلی هستند که ماهیتی مزمن و مورد مناقشه دارد؛ مشکلی که نه یک شوک آنی، که فرسایشی تدریجی در بافت اجتماعی ایجاد می‌کند.

خلأهای نظری و عملی موجود در این حوزه چندلایه است: نخست، خلأ مفهومی و پارادایمی در تبیین دقیق ماهیت «تاب‌آوری اجتماعی» در بستر فرهنگی–سیاسی ایران و تمایز سنجی آن از مفاهیم نزدیک ولی متمایزی چون سرمایهٔ اجتماعی یا امنیت اجتماعی؛ دوم، خلأ راهبردی و سیاستی ناشی از نبود چهارچوبی عملیاتی که مؤلفه‌های تقویت‌کننده (نظیر نقش آژانس‌های اجتماعی غیردولتی، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و به‌ویژه زنان به‌عنوان کنشگران محوری این عرصه) و شاخص‌های سنجش آن را در مواجهه با یک مشکل فرهنگی مشخص تبیین کند؛ و سوم، خلأ روش‌شناختی در ارائه تحلیلی کیفی و زمینه محور که بتواند لایه‌های پنهان معنایی، تنش‌ها و سازوکارهای انطباقی درون جامعه را در برابر چنین پدیده‌ای آشکار سازد. پر کردن این خلأها نه‌تنها از نظر توسعه ادبیات علوم اجتماعی در ایران ضرورتی نظری دارد، بلکه از جنبه عملی و حکمرانی، برای کاهش تنش‌های اجتماعی، پیشگیری از قطبی شدن بیشتر و طراحی سیاست‌های فرهنگی کارآمد که به‌جای رویکردهای قهری، بر تقویت انعطاف و ظرفیت درونی جامعه تکیه دارند، امری اجتناب‌ناپذیر است.

براین‌اساس، پرسش اصلی و محوری این پژوهش بدین شرح طرح می‌گردد: «الگوی مفهومی تاب‌آوری اجتماعی برای مدیریت مشکل با تأکید بر مسئله حجاب در جامعه ایران، شامل چه ابعاد، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و چه گونه‌ای از روابط ساختاری میان آن‌ها است؟» پاسخ به این پرسش، گامی اساسی در تدوین نقشه راهی برای تبدیل یک چالش اجتماعی دیرپا به فرصتی برای گفت‌وگو، انطباق و تقویت انسجام از پایین به بالاست.

۱. مبانی نظری پژوهش

در حوزه تاب‌آوری اجتماعی و مدیریت مسائل اجتماعی–فرهنگی، طی سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در ادبیات داخلی و خارجی انجام شده است. بااین‌حال، بررسی‌ها نشان

می‌دهد که تمرکز عمده مطالعات صورت‌گرفته، بر بحران‌های طبیعی، سلامت عمومی (به‌ویژه کووید-۱۹)، مدیریت شهری و سرمایهٔ اجتماعی در بسترهای عمومی بوده و مسئله‌های هویتی-فرهنگی مزمن، به‌ویژه مسئله حجاب، کم‌تر به‌صورت مستقل، نظام‌مند و در چهارچوب مدل مفهومی تاب‌آوری اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

وحیدی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی کیفی با رویکرد انسان‌شناختی به بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای تاب‌آوری اجتماعی در خراسان شمالی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هویت محلی، پیوندهای خویشاوندی و شبکه‌های بومی از عوامل کلیدی در مدیریت تنش‌های هویتی هستند. این پژوهش اهمیت زمینه‌های فرهنگی در شکل‌گیری تاب‌آوری را برجسته می‌سازد، اما تمرکز آن بر بستر منطقه‌ای بوده و به ارائه چهارچوب مفهومی کلان برای مدیریت مسئله‌های هنجاری نینجامیده است.

قاسمی و صالحی نودز (۱۴۰۲) در پژوهشی پیمایشی با عنوان «نقش مدیریت مسئله اجتماع‌محور در ارتقای تاب‌آوری شهروندان» با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری، نشان دادند که سرمایه معنوی و اعتماد عمومی نقش میانجی در تقویت تاب‌آوری دارند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که ظرفیت‌های فرهنگی-دینی می‌توانند نقش حفاظتی در برابر تنش‌های اجتماعی ایفا کنند. بااین‌حال، تمرکز مطالعه مذکور بر یک شهر خاص بوده و به مدل‌سازی مفهومی برای مسائل هنجاری مزمن نپرداخته است.

در سطح پژوهش‌های داخلی، شریفی (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت مسائل اجتماعی ایران» با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی ـ تحلیلی به بررسی ابعاد سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد نهادی و مشارکت مدنی در تقویت تاب‌آوری پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تقویت شبکه‌های ارتباطی، انسجام اجتماعی و ظرفیت گفت‌وگو می‌تواند احتمال تشدید تعارض‌های هنجاری را کاهش دهد. با این وجود، تمرکز اصلی این پژوهش بر مسائل اجتماعی عام بوده و به‌طور خاص به مسئله‌های هویتی نظیر حجاب نپرداخته است.

علی‌پور شعاری دهقانی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با رویکرد تحلیل عاملی،

مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی در ارتقای تاب‌آوری مدیریت شهری تبریز را استخراج کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد افقی، مشارکت زنان و شبکه‌های غیررسمی نقش مؤثری در کاهش تعارض‌های اجتماعی دارند. نتیجه پژوهش بر اهمیت کنشگری اجتماعی زنان تأکید دارد؛ بااین‌حال، تمرکز آن بر مدیریت شهری بوده و مسئله حجاب را به‌عنوان موضوع مستقل بررسی نکرده است.

بشیری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی مفهومی با عنوان «تحول الگوهای تاب‌آوری در مدیریت بحران» به واکاوی سیر تطور نظریه‌های تاب‌آوری پرداخته و مضامینی همچون ثبات، پاسخ، بازیابی، افزونگی و سازگاری را به‌عنوان ابعاد فراگیر استخراج کرده‌اند. این تحقیق چهارچوب نظری مناسبی برای فهم تاب‌آوری ارائه می‌دهد؛ اما حوزه مطالعه آن عمدتاً بحران‌های طبیعی و سازمانی بوده است.

رضایی (۱۴۰۰) در پژوهشی پیمایشی پیرامون «سرمایهٔ اجتماعی و مدیریت مسائل اجتماعی» نشان داد که اعتماد عمومی و سرمایه ارتباطی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های انسجام اجتماعی هستند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که کاهش اعتماد می‌تواند زمینه تشدید تعارض‌های ارزشی را فراهم سازد. بااین‌حال، پژوهش مذکور به تبیین مدل مفهومی اختصاصی برای مسئله‌های فرهنگی مزمن نپرداخته است.

حیدری و همکاران (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی درباره حکمروایی شهری و تاب‌آوری اجتماعی در دوره همه‌گیری کووید-۱۹ نشان دادند که شفافیت نهادی و هماهنگی بین‌سازمانی تأثیر مستقیم بر افزایش تاب‌آوری اجتماعی دارد. نتیجه این تحقیق بر اهمیت ظرفیت نهادی در مدیریت تنش‌های اجتماعی تأکید دارد؛ اما تمرکز آن بر بحران سلامت بوده و ابعاد هنجاری-فرهنگی را مستقلاً بررسی نکرده است.

در سطح مطالعات خارجی، «رشیدفرخی»[1] و همکاران (۲۰۲۶) در پژوهشی با عنوان افزایش تاب‌آوری اجتماعی: نقش زیرساخت‌های اجتماعی در مدیریت بحران در محیط ساخته‌شده نشان داد که زیرساخت‌های اجتماعی با ایجاد دو شکل خاص از سرمایهٔ اجتماعی،

1. Rashidfarokhi

تاب‌آوری را تقویت می‌کنند: سرمایه پیوندی (ضروری برای پاسخ فوری) و سرمایه پل‌زننده (ضروری برای پیشگیری و سازگاری). نتایج این تحقیق بیانگر آن است سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان شهری و سازمان‌های اجتماعی باید رویکردی متناسب با شرایط اتخاذ کنند که این شبکه‌ها را متعادل کرده و دیدگاه‌های پایین به بالا و بالا به پایین را ادغام کند. با انجام این کار، آن‌ها می‌توانند اطمینان حاصل کنند که زیرساخت‌های اجتماعی نه‌تنها از زندگی روزمره پشتیبانی می‌کنند، بلکه توانایی جوامع را برای مقابله با بحران‌ها نیز تقویت می‌کنند.

«آزدو»[1] و همکاران (۲۰۲۶) در پژوهشی با عنوان آمادگی در برابر بحران، ظرفیت‌سازی و تاب‌آوری جامعه به این نتیجه رسیدند که یافته‌ها بر اهمیت برنامه‌ریزی پیشگیرانه در ظرفیت‌های مختلف، همکاری بین ذی‌نفعان متنوع و ادغام سیستم‌های دانش بومی برای پرورش جوامع تاب‌آور تأکید می‌کنند.

«کارلا»[2] و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان میان‌رشته‌ای بودن و دانش محلی برای تقویت تاب‌آوری جامعه در مدیریت ریسک بلایا نشان دادند که چگونه ادغام دانش محلی و علمی از طریق همکاری بین‌رشته‌ای، حاکمیت اجتماعی-محیطی و تاب‌آوری جامعه را تقویت می‌کند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است ضرورت پرداختن به آسیب‌پذیری‌های اجتماعی از طریق برنامه‌های آموزشی مبتنی بر جامعه تأکید می‌کنند، که با حفظ دانش سنتی، تقویت انسجام جامعه و توانمندسازی تصمیم‌گیری محلی، تاب‌آوری را افزایش می‌دهند.

آلدریچ و مایر (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تطبیقی نشان داده‌اند که سرمایهٔ اجتماعی مهم‌ترین عامل بازسازی اجتماعی پس از بحران است و جوامعی که از شبکه‌های ارتباطی گسترده برخوردارند، سریع‌تر به تعادل بازمی‌گردند. نتیجه تحقیق آن‌ها بر نقش پیوندهای افقی و اعتماد در کاهش آسیب‌پذیری تأکید دارد. بااین‌حال، حوزه تمرکز این مطالعه نیز بحران‌های طبیعی و فجایع بوده است.

نوریس و همکاران (۲۰۰۸) در چهارچوبی نظری، تاب‌آوری اجتماعی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌های پویا شامل انسجام اجتماعی، ارتباطات، منابع اقتصادی و شایستگی نهادی تعریف

1. Azevedo
2. Karla

کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری محصول تعامل شبکه‌های اجتماعی و ساختارهای نهادی است و بدون اعتماد و هم‌بستگی اجتماعی پایدار نخواهد بود. این چهارچوب نظری بنیانی مهم برای فهم تاب‌آوری فراهم می‌کند؛ اما تمرکز آن بر بلایا و بحران‌های عمومی است.

آدگر (۲۰۰۰) نیز تاب‌آوری اجتماعی را ظرفیت سیستم‌های اجتماعی برای مقاومت و سازگاری با شوک‌های بیرونی تعریف می‌کند و بر پیوند میان ساختارهای اجتماعی و سازوکارهای انطباقی تأکید دارد. نتیجه پژوهش وی بیانگر آن است که تاب‌آوری زمانی تقویت می‌شود که نهادهای اجتماعی از مشروعیت و اعتماد عمومی برخوردار باشند. این رویکرد اگرچه چهارچوبی نظری برای فهم تاب‌آوری فراهم می‌سازد؛ اما به مسائل هویتی خاص فرهنگی نمی‌پردازد.

مرور نظام‌مند و فراتحلیل پیشینه‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مفهوم تاب‌آوری اجتماعی در سال‌های اخیر به‌عنوان چهارچوبی تحلیلی برای مدیریت مسائل اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. در مطالعات داخلی، عمدتاً بر نقش سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی، ظرفیت‌های بومی، کنشگری اجتماعی و کیفیت حکمرانی در تقویت تاب‌آوری تأکید داشته‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد شبکه‌های ارتباطی، اعتماد نهادی و مشارکت مدنی از عوامل کلیدی در کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش ظرفیت انطباق جامعه هستند. بااین‌حال، تمرکز غالب این پژوهش‌ها بر بحران‌های طبیعی، مدیریت شهری یا مسائل سلامت بوده و به‌صورت مستقیم به مسئله‌های هویتی–فرهنگی مزمن نپرداخته‌اند.

در ادبیات خارجی نیز تاب‌آوری اجتماعی را فرایندی چندسطحی و متکی بر انسجام، سرمایهٔ اجتماعی و ظرفیت نهادی دانسته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد اعتماد و شبکه‌های اجتماعی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های پایداری اجتماعی در مواجهه با شوک‌ها هستند؛ بااین‌حال، تمرکز این مطالعات نیز عمدتاً بر فجایع و بحران‌های مقطعی بوده است.

فراتحلیل انجام‌شده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد چهار محور مشترک در ادبیات وجود دارد: سرمایهٔ اجتماعی و اعتماد، انسجام و هویت جمعی، ظرفیت نهادی و حکمرانی، و

کنشگری اجتماعی. با وجود این اشتراکات، خلأ اصلی در نبود مدل مفهومی بومی برای مدیریت یک مسئله هویتی–فرهنگی مزمن مانند حجاب است. نوآوری این تحقیق در ارائه مدل نظام‌مند ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت مسئله حجاب و تبیین سازوکارهای تبدیل ظرفیت‌های اجتماعی به مدیریت پایدار تعارض‌های هنجاری است.

چهارچوب نظری این پژوهش بر ادبیات غنی حوزه تاب‌آوری اجتماعی و مدیریت مشکل‌های اجتماعی–فرهنگی استوار است، با تمرکز ویژه بر مسئله حجاب به‌عنوان نمادی هویتی در جامعه ایران. تاب‌آوری، به‌عنوان مفهومی بنیادین، توانایی یک فرد، گروه یا سامانه را برای مقابله با شرایط دشوار، بازگشت به تعادل یا سازگاری تحول‌آفرین با تغییرات بدون اختلال در کارکردهای اصلی توصیف می‌کند؛ این مفهوم که ریشه در علوم طبیعی و مهندسی دارد، در علوم اجتماعی و روان‌شناسی به فرایندی انطباقی تبدیل‌شده که نه‌تنها عبور از ناملایمات را ممکن می‌سازد، بلکه فرصت‌هایی برای رشد و بهبود فراهم می‌آورد (ماستن[1]، ۲۰۱۸: ۱۸). در این راستا، تاب‌آوری اجتماعی ظرفیتی است که به جوامع امکان می‌دهد اختلالات عمده (شوک‌های خارجی یا استرس‌های مزمن) را مهار کنند، از طریق سازوکارهای مقاومتی و انطباقی با آن‌ها کنار بیایند، و ضمن حفظ عملکردهای اجتناب‌ناپذیر، مسیری برای پیشروی و بهبود پس از مشکل فراهم آورند (آدگر، ۲۰۰۰: ۳۴۷؛ بریگوگلیو و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۵). این مفهوم چندبُعدی، شامل ظرفیت‌های مقابله‌ای (غلبه بر سختی‌ها)، انطباقی (تطبیق با تغییرات محیطی) و تحول‌آفرین (ایجاد تغییرات مثبت پس از مشکل) است و از تعامل عوامل فردی مانند مهارت‌های مقابله‌ای، اجتماعی مانند شبکه‌های حمایتی و ساختاری مانند نهادها ناشی می‌شود (شمیت[2] و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۶).

مشکل، به‌عنوان نقطه مقابل تاب‌آوری، شرایطی غیرمنتظره و غیرقابل‌کنترل را توصیف می‌کند که نظم و عملکرد سیستم‌ها را مختل می‌سازد و نیازمند اقدامات فوری و فوق‌العاده برای کاهش خسارات است؛ از منظر لغوی، به فشار یا فاجعه‌ای اشاره دارد که می‌تواند به بهبود یا وخامت منجر شود و مفهومی‌تر، وضعیتی آشفته است که تعادل را برهم می‌زند و

1. Masten
2. Schmidt

تابعی از خطرپذیری، آسیب‌پذیری و ظرفیت ناکافی برای کاهش نتایج منفی است (فینکل‌اشتاین[1]، ۲۰۱۹؛ تاجیک، ۱۳۷۹: ۴). در این چهارچوب، مشکل اجتماعی به اختلالات یا ناآرامی‌هایی اطلاق می‌شود که تعادل، امنیت و عملکرد بهنجار جامعه را تهدید می‌کند، اغلب ناشی از تعارضات اجتماعی، تغییرات فرهنگی یا نابرابری‌های اقتصادی-سیاسی و منجر به کاهش انسجام، افزایش تنش‌ها یا فروپاشی نهادها می‌گردد؛ این مشکل‌ها می‌توانند جزئی (مرتبط با گروه خاص) یا عمومی (فراگیر بر ساختارها) باشند و با تضعیف هنجارهای مشترک و اعتماد عمومی همراه هستند (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۴۹). در جوامع اسلامی، چنین مشکل‌هایی، مانند تغییرات نگرش به حجاب، به‌عنوان چالش‌های هویتی ظاهر می‌شوند که ارزش‌های دینی و انسجام فرهنگی را زیر سؤال می‌برند. مدیریت مشکل، در پاسخ به این اختلالات، مجموعه‌ای از فرایندها و استراتژی‌ها را شامل می‌شود که پیشگیری (کاهش احتمال وقوع)، آمادگی (برنامه‌ریزی و آموزش)، پاسخ‌گویی (اقدامات فوری) و بازیابی-بازتوانی (بازگرداندن به تعادل یا بهبود) را در برمی‌گیرد و بر همکاری نظام‌یافته بین نهادها، ذی‌نفعان و جامعه تأکید دارد (پیرسون و کلر[2]، ۱۹۹۸: ۱۱).

حجاب، به‌عنوان عنصری محوری در این چهارچوب، در لغت به معنای مانع یا پوشش است و در زمینهٔ اسلامی، پوششی است که از طریق حفظ کرامت و عفاف تحقق می‌یابد؛ عفاف، به‌عنوان مفهوم مکمل، خود نگهداری از محرمات و خواهش‌های شهوانی را توصیف می‌کند و حجاب را قالبی بیرونی برای عفاف درونی می‌بیند که نه‌تنها هنجار دینی، بلکه نمادی از هویت فرهنگی و اجتماعی است و عدم درونی‌سازی آن می‌تواند به مشکل‌های هویتی دامن زند (علوی، ۱۳۹۶: ۲۴). این تعاریف، پایه‌ای برای نظریه‌های مرتبط فراهم می‌آورند که تاب‌آوری را به‌عنوان فرایندی چندسطحی تبیین می‌کنند. نظریه اکولوژیکی «برونفن‌برنر»[3] (۱۹۷۹)، تاب‌آوری را از تعامل سطوح فردی (میکرو سامانه)، روابط بین‌فردی (مزو سامانه)، نهادها (اگزو سامانه) و عوامل کلان فرهنگی-سیاسی (ماکرو سامانه) ناشی

1. Finkelstein
2. Pearson, Clair
3. Bronfenbrenner

می‌بیند که در زمینهٔ حجاب، عوامل فرهنگی دینی را به‌عنوان ماکرو سامانه و شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان مزو سامانه برجسته می‌سازد (مرکن-وارگاس[1] و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۴؛ رؤسا و تاج[2]، ۲۰۲۳: ۳۴۵). مکمل این رویکرد، چهارچوب تاب‌آوری جامعه‌محور نوریس[3] و همکاران (۲۰۰۸) است که تاب‌آوری اجتماعی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها (انسجام، ارتباطات، منابع اقتصادی و شایستگی جامعه) برای آمادگی در برابر بلایا می‌داند و بر اعتماد و گفت‌وگو تأکید دارد که در مدیریت مشکل حجاب، انسجام و اعتماد را به‌عنوان ستون‌های کلیدی شناسایی می‌کند (نوریس و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۲۷).

نظریه مدیریت مشکل لایه‌ای «گاسپار»[4] و همکاران (۲۰۲۰) نیز، با تقسیم مشکل‌ها به لایه‌های فوری، میان‌مدت و بلندمدت، بر تاب‌آوری از طریق حس اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی تمرکز دارد و در این پژوهش، برای تبیین مراحل پیشگیری از طریق آموزش فرهنگی و بازسازی از طریق گفت‌وگو در مشکل حجاب به‌کار می‌رود (گاسپار و همکاران، ۲۰۲۰: ۱). نظریه سرمایهٔ اجتماعی پاتنام (۲۰۰۰)، شبکه‌های اعتماد و همکاری را به‌عنوان تقویت‌کننده تاب‌آوری توصیف می‌کند و نقش زنان و نهادهای محلی را در افزایش انسجام اجتماعی برجسته می‌سازد (پاتنام[5]، ۲۰۰۰؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹). در چهارچوب نظریه‌های تاب‌آوری فرهنگیِ برآمده از جوامع اسلامی، این مفهوم با فضیلت‌هایی مانند صبر و استقامت گره خورده و مشکل‌ها عرصه‌ای برای محک ایمان و تقویت هم‌بستگی تلقی می‌شوند. در این نگاه، حجاب به‌مثابه یک نماد هویتیِ تاب‌آور عمل می‌کند که ظرفیت پایداری و انسجام فرهنگی را افزایش می‌دهد. براین‌اساس، در مدل‌های تحلیلی این دسته از نظریه‌ها، سطح تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل تعیین‌کننده، و کارآمدی مدیریت مشکل در مسئله حجاب به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود و با تمرکز بر سطوح تعاملی و ظرفیت‌های جامعه‌محور، مدل پیشنهادی پژوهش را توجیه می‌کنند؛ خلأهای ادبیات،

1. Merçon-Vargas
2. Rosa & Tudge
3. Norris
4. Gaspar
5. Putnam

مانند تمرکز ناکافی بر مشکل‌های فرهنگی، با این چهارچوب چندرشته‌ای پر می‌شود و پایه‌ای برای تحلیل کیفی-کمی فراهم می‌آورد که جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی، سیاسی و محلی را در بافت ایران یکپارچه می‌سازد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی است و در چهارچوب پارادایم تفسیری انجام شده است. با توجه به ماهیت مسئله حجاب به‌عنوان یک چالش هویتی-فرهنگی مزمن با پیامدهای اجتماعی، رویکرد تحلیل مضمون به‌منظور شناسایی، صورت‌بندی و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت این مسئله به‌کار گرفته شد. این رویکرد امکان کشف لایه‌های معنایی و سازوکارهای اجتماعی مؤثر بر پایداری و انسجام اجتماعی را فراهم می‌سازد.

جامعه مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی و مدیریت فرهنگی با تجربه علمی یا اجرایی در مسائل اجتماعی-فرهنگی ایران بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام گرفت و فرایند گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت که در نهایت ۲۵ نفر در پژوهش مشارکت داشتند.

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که براساس اهداف پژوهش طراحی گردید. پرسش‌ها ناظر بر شناسایی ابعاد تاب‌آوری اجتماعی و استخراج مؤلفه‌های هر بعد در مدیریت مسئله حجاب بود. در انجام این پژوهش، تمامی اصول اخلاقی رعایت شده است. پیش از انجام مصاحبه، اهداف پژوهش به‌طور کامل برای مشارکت‌کنندگان تشریح و از آن‌ها رضایت آگاهانه کتبی اخذ شد. به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند و در گزارش‌های پژوهش، نام و مشخصات هویتی آن‌ها ذکر نخواهد شد. همچنین حق انصراف از مشارکت در هر مرحله از پژوهش برای افراد محفوظ بود و تأکید شد که عدم تمایل به ادامه همکاری، هیچ‌گونه عواقبی برای آن‌ها نخواهد داشت. داده‌های گردآوری‌شده صرفاً در راستای اهداف علمی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته و

شرکت‌کنندگان در جریان یافته‌های پژوهش قرار خواهند گرفت.

تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام گرفت: در مرحله نخست، کدگذاری باز انجام و مفاهیم اولیه به‌صورت کدهای مستقل استخراج شدند. در مرحله دوم، کدگذاری محوری صورت پذیرفت و کدهای مشابه براساس قرابت معنایی در قالب مقوله‌های فرعی (مضامین سازمان‌دهنده) تجمیع شدند. در مرحله سوم، کدگذاری انتخابی انجام گرفت و مقوله‌های فرعی با انتزاعی‌سازی بیشتر، در مقوله‌های اصلی (مضامین فراگیر) دسته‌بندی شدند. بدین‌ترتیب، سلسله‌مراتب سه‌سطحی مضامین شامل «مضمون فراگیر»، «مضمون سازمان‌دهنده» و «مضمون پایه» شکل گرفت که چهارچوب مفهومی نهایی پژوهش را تشکیل می‌دهد. برای ارتقای اتقان و اشباع نظری، کدهای با فراوانی پایین که هم‌پوشانی معنایی داشتند، در مفاهیم ترکیبی ادغام شدند.

به‌منظور تقویت اعتبار و پایایی یافته‌های کیفی، از معیارهای مقبول در پژوهش‌های تفسیری استفاده شد؛ بدین‌صورت که کدگذاری‌ها توسط دو پژوهشگر به‌صورت مستقل انجام و میزان توافق بررسی گردید، سپس موارد اختلاف از طریق بحث و اجماع اصلاح شد. همچنین بازبینی مشارکت‌کنندگان برای اطمینان از انطباق تفاسیر با دیدگاه خبرگان انجام گرفت و فرایند تحلیل به‌صورت مستند و قابل پیگیری ثبت شد.

۳. تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های پژوهش کیفی براساس تحلیل مضمون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ نفر از خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، علوم سیاسی و مدیریت فرهنگی ارائه می‌شود. فرایند تحلیل شامل کدگذاری باز، استخراج مضامین و تجمیع آن‌ها در قالب ابعاد و مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت مسئله حجاب است. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول (۱)، گزارش شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	رشته تحصیلی	مدت فعالیت (سال)	سمت
۱	زن	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۸	استاد دانشگاه
۲	مرد	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۱۵	پژوهشگر ارشد
۳	زن	دکتری	مدیریت فرهنگی	۲۲	مدیر مرکز فرهنگی
۴	مرد	دکتری	علوم سیاسی	۲۰	مشاور سیاست‌گذاری
۵	زن	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۶	استاد دانشگاه
۶	زن	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۱۴	روان‌شناس مشاور
۷	مرد	دکتری	مدیریت اجتماعی	۲۵	مدیر سازمان مردم‌نهاد
۸	زن	دکتری	علوم سیاسی	۱۹	پژوهشگر سیاسی
۹	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	۲۱	استاد دانشگاه
۱۰	زن	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۱۷	مشاور اجتماعی
۱۱	مرد	دکتری	مدیریت فرهنگی	۲۳	مدیر فرهنگی دولتی
۱۲	زن	دکتری	علوم سیاسی	۱۳	تحلیلگر سیاسی
۱۳	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	۲۶	پژوهشگر اجتماعی
۱۴	زن	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۱۲	روان‌شناس بالینی
۱۵	مرد	دکتری	مدیریت اجتماعی	۱۸	مدیر برنامه‌های اجتماعی
۱۶	زن	دکتری	علوم سیاسی	۲۰	مشاور امور زنان
۱۷	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۵	استاد دانشگاه
۱۸	زن	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۲۴	پژوهشگر روانی-اجتماعی
۱۹	مرد	دکتری	مدیریت فرهنگی	۱۶	مدیر رسانه فرهنگی
۲۰	زن	دکتری	علوم سیاسی	۲۸	تحلیلگر سیاست خارجی
۲۱	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۹	استاد دانشگاه
۲۲	زن	دکتری	روان‌شناسی اجتماعی	۱۱	مشاور خانواده

ردیف	جنسیت	تحصیلات	رشته تحصیلی	مدت فعالیت (سال)	سمت
۲۳	مرد	دکتری	مدیریت اجتماعی	۲۲	مدیر انجمن اجتماعی
۲۴	زن	دکتری	علوم سیاسی	۱۷	پژوهشگر جنسیتی
۲۵	مرد	دکتری	جامعه‌شناسی	۳۰	استاد تمام دانشگاه

در بخش یافته‌های این پژوهش، فرایند تحلیل کیفی داده‌های گردآوری‌شده از مصاحبه‌ها براساس رویکرد کدگذاری نظری (اشتراوس و کوربین) پیگیری شد. این فرایند در سه مرحله اصلی سازمان‌دِهی گردید تا به سؤالات فرعی پژوهش پاسخ دهد و زمینه‌ای برای بخش کمی فراهم آورد. این ساختار، یافته‌های کیفی را به شیوه‌ای نظام‌مند ارائه می‌دهد و پیوندی منطقی میان مراحل تحلیلی برقرار می‌سازد. در ادامه، جزئیات هر مرحله به‌تفصیل بررسی خواهد شد. پس از تعیین مقولات، مرحله ساخت طبقات کلی نظریه است که در جدول صفحه بعد ارائه شده است.

جدول ۲: شکل‌دِهی طبقات کلی از مضامین

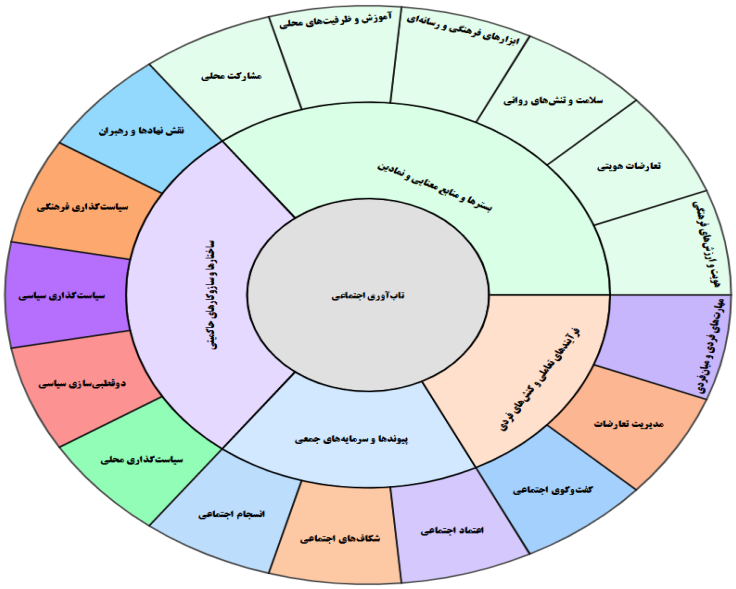
مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	فراوانی کل
هم‌بستگی اجتماعی (۵)، حس تعلق اجتماعی (۳)، انسجام اجتماعی (۲)، همکاری گروهی (۲)، شبکه‌های اجتماعی قوی (۲)، هم‌افزایی و یکپارچگی اجتماعی (۳)	انسجام اجتماعی	پیوندها و سرمایه‌های جمعی	۴۰
شکاف نسلی (۱)، شکاف فرهنگی (۱)، شکاف طبقاتی (۱)	شکاف‌های اجتماعی		
اعتماد متقابل (۲)، اعتماد بین گروه‌ها (۱)، اعتماد به نهادهای حاکمیتی (۱)، اعتماد عمومی (۱)، وفاق اجتماعی (۱)، همدلی اجتماعی (۱)	اعتماد اجتماعی		
گفت‌وگوی بین نسلی (۳)، گفت‌وگوی بین فرهنگی (۲)، گفت‌وگوی باز (۲)، گفت‌وگوی امن (۲)، اشتراک دیدگاه‌ها و تجربیات (۲) فهم متقابل (۱)، گفت‌وگوی بین‌فردی (۱)، گفت‌وگو در آموزش (۱)	گفت‌وگوی اجتماعی	فرایندهای تعاملی و کنش‌های فردی	۲۶
کاهش تعارضات (۲)، جلوگیری از تشدید تنش (۲)، کاهش سوءتفاهم‌ها (۱)، پرهیز از بزرگ‌نمایی اختلافات	مدیریت تعارضات		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	فراوانی کل
(۱)، مدیریت تنش (۱)، کاهش تنش‌ها و مقاومت‌های اجتماعی (۲)			
حل تعارض (۲)، مدیریت هیجان (۲)، مهارت‌های ارتباطی (۱)، خودآگاهی (۱)، مدیریت استرس (۱)، مهارت‌های مدارا و تفاهم (۲)، مهارت‌های حل مسئله (۱)	مهارت‌های فردی و میان‌فردی		
نقش گروه‌های مرجع (۲)، نقش خانواده (۱)، نقش دوستان (۱)، تجربیات شخصی (۱)	گروه‌های مرجع		
نقش نهادهای اجتماعی (۲)، سازمان‌های مردم‌نهاد (۲)، گروه‌های محلی (۲)، نقش جامعه مدنی (۱)، میانجی‌گری نهادها (۱)، نقش رهبران محلی (۱)، افراد تأثیرگذار (۱)، انجمن‌های محلی (۱)، نقش رهبران فرهنگی (۲)، پل‌های ارتباطی (۱)، نقش رهبران مذهبی (۱)	نقش نهادها و رهبران	ساختارها و سازوکارهای حاکمیتی	۴۳
برنامه‌ریزی فرهنگی (۲)، سیاست‌گذاری مشارکتی (۱)، سیاست‌گذاری فرهنگی (۱)، تعادل در سیاست‌گذاری (۱)، رویکرد چندوجهی (۱)	سیاست‌گذاری فرهنگی		
سیاست‌گذاری کلان (۲)، فضای سیاسی باز (۲)، فضای دموکراتیک (۱)، شفافیت سیاسی (۲)، مشارکت در تصمیم‌گیری (۲)، فضای فراگیر (۱)، مشروعیت و مقبولیت سیاست‌ها (۲) [ادغام مشروعیت و مقبولیت]، مشارکت گروه‌های مختلف (۴)، سیاست‌های یک‌جانبه (۱)، سیاست‌گذاری مبتنی بر داده (۱)، فرایند تصمیم‌گیری (۱)، اجتناب از تحمیل ارزش‌ها (۱)	سیاست‌گذاری سیاسی		
جلوگیری از دوقطبی‌سازی (۲)، کاهش شکاف‌های سیاسی (۱)، عوامل تشدیدکننده دوقطبی (۳)	دوقطبی‌سازی سیاسی		
سیاست‌گذاری محلی (۱)، نیازهای منطقه‌ای (۱)، ویژگی‌های جمعیتی (۱)	سیاست‌گذاری محلی		
ارزش‌های سنتی (۲)، معانی فرهنگی حجاب (۲)، تاریخچه حجاب (۱)، تنوع فرهنگی (۱)، هویت فرهنگی (۱)، احترام به تنوع فرهنگی (۱)، سنت‌های محلی (۱)	هویت و ارزش‌های فرهنگی	بسترها و منابع معنایی و نمادین	۳۲
تعارضات هویتی (۲)، تعارضات درونی (۱)، تعارضات بیرونی (۱)، ترس از دست دادن هویت (۱)، هویت فردی (۱)، هویت جمعی (۱)، ارزش‌ها و باورها (۱)، ارزش‌های	تعارضات هویتی		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	فراوانی کل
فردی (۱)			
اضطراب اجتماعی (۲)، خشم اجتماعی (۱)، تنش‌ها و فشارهای روانی-اجتماعی (۴)، حمایت روانی (۱)، مشاوره (۱)	سلامت و تنش‌های روانی		
استفاده از هنر و تئاتر (۴) [ادغام هنر و تئاتر]، استفاده از فیلم (۲)، رسانه‌های دیجیتال (۱)، ابزارهای فرهنگی (۱)، گفتمان مثبت (۲)، روایت‌های متعادل و بی‌طرفانه (۲)، ظرفیت‌های رسانه‌ای (۱)	ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای		
آموزش عمومی و برنامه‌های آموزشی (۵)، تفکر انتقادی (۱)، ظرفیت‌های بومی (۲)، ارزش‌ها و هنجارهای محلی (۲)، بافت محلی (۱)، تنوع منطقه‌ای و قومیتی (۲)	آموزش و ظرفیت‌های محلی		
مشارکت جامعه (۲)، حس مالکیت (۱)، مسئولیت اجتماعی (۱)، جلب حمایت عمومی (۱)	مشارکت محلی		

در پژوهش کیفی حاضر، تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و براساس مدل شبکه مضامین انجام شده است. فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت و برای افزایش اتقان و اعتبار یافته‌ها، بازبینی چندباره توسط تیم پژوهش و تأیید مجدد ساختار کدها توسط اساتید راهنما و مشاور انجام شده است. براساس ساختار نهایی جدول کدگذاری در سه سطح سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی شد که عبارت‌اند از: مضامین فراگیر (مقوله‌های اصلی)، مضامین سازمان‌دهنده (مقوله‌های فرعی) و مضامین پایه (کدهای اولیه).

در نهایت مدل مفهومی به شرح زیر است:



شکل ۱: الگوی مفهومی

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در یافته‌های این تحقیق با بهره‌گیری از یک چهارچوب مفهومی و تمرکز بر ابعاد چندوجهی، در برخی جنبه‌ها گسترش‌دهنده و در برخی جنبه‌ها متمایز از تحقیقات پیشین است:

در مقایسه با پژوهش وحیدی و همکاران (۱۴۰۳)، هر دو پژوهش بر اهمیت هویت محلی، پیوندهای خویشاوندی، شبکه‌های بومی و زمینه‌های فرهنگی در مدیریت تنش‌های هویتی تأکید دارند. این پژوهش دنبال ارائه چهارچوبی مفهومی برای مدیریت مسائل هنجاری مانند حجاب است. درحالی‌که پژوهش وحیدی و همکاران به عوامل کلیدی اشاره کرده است. این تحقیق با شناسایی دقیق‌تر «ساختارها و سازوکارهای حاکمیتی» (با فراوانی بالا) به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عامل و همچنین «فرایندهای تعاملی و کنش‌های فردی» (گفت‌وگوی بین‌نسلی و بین‌فرهنگی) به‌عنوان سطوح میانی، مدلی جامع‌تر را معرفی می‌کند که بر عقلانیت ارتباطی و مدیریت فعال تنوع تأکید دارد، نه صرفاً اتکا به ساختارهای سنتی.

در مقایسه با پژوهش قاسمی و صالحی نوذز (۱۴۰۲)، یافته‌های ما نیز با این پژوهش در

تأکید بر نقش سرمایه معنوی، اعتماد عمومی و ظرفیت‌های فرهنگی-دینی در تقویت تاب‌آوری هم‌سو است. درحالی‌که پژوهش قاسمی و صالحی نودز بر یک شهر خاص تمرکز داشته و مدل‌سازی میانجی بین سرمایه معنوی و اعتماد عمومی را بررسی کرده، تحقیق ما به‌طور خاص به مسائل هنجاری مانند حجاب پرداخته و مدلی مفهومی ارائه می‌دهد که ابعاد حکمرانی، سرمایهٔ اجتماعی (پیوندها و انسجام) و فرایندهای تعاملی را به‌صورت یکپارچه در نظر می‌گیرد. ما نشان می‌دهیم که چگونه سیاست‌گذاری‌های غیرمشارکتی می‌تواند سرمایهٔ اجتماعی را کاهش دهد، که این فراتر از صرف نقش میانجی سرمایه معنوی است.

در مقایسه با پژوهش شریفی (۱۴۰۱)، هر دو پژوهش به اهمیت سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت مدنی، شبکه‌های ارتباطی، انسجام اجتماعی و ظرفیت گفت‌وگو در کاهش تشدید تعارض‌های هنجاری اشاره دارند. پژوهش شریفی به مسائل اجتماعی عام پرداخته، درحالی‌که تحقیق ما به‌طور اختصاصی بر مسئله هویتی حجاب متمرکز شده و ابعاد فرهنگی-نمادین و فرایندهای حاکمیتی را در این زمینه خاص، عمیق‌تر واکاوی کرده است. مدل ما، ضمن تأکید بر این عوامل، ارتباط متقابل آن‌ها را در بستر مسئله حجاب تبیین می‌کند و بر مدیریت تنوع به‌جای صرفاً کاهش تعارض تأکید دارد.

در مقایسه با پژوهش علی‌پور شعاری دهقانی و همکاران (۱۴۰۱)، این مطالعه نیز به اهمیت سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد افقی، مشارکت اجتماعی (به‌ویژه زنان) و شبکه‌های غیررسمی در کاهش تعارض‌های اجتماعی اشاره دارد. تمرکز پژوهش علی‌پور شعاری دهقانی و همکاران بر مدیریت شهری تبریز و مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی در این بستر بوده است. تحقیق ما، با تمرکز بر مسئله حجاب به‌عنوان یک موضوع مستقل هنجاری-فرهنگی، ابعاد حاکمیتی (کاهش دوقطبی‌سازی سیاسی) و منابع معنایی و نمادین را برجسته‌تر کرده و مدلی را پیشنهاد می‌دهد که فراتر از مدیریت شهری، به امنیت فرهنگی پایدار از طریق ترکیب هوشمندانه ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی می‌پردازد.

در مقایسه با پژوهش رشیدفرخی (۲۰۲۶)، یافته‌های ما با این پژوهش در تأکید بر زیرساخت‌های اجتماعی، سرمایه پیوندی و پل‌زننده (اجتماعی) و ضرورت ادغام رویکردهای

بالا به پایین و پایین به بالا هم‌سو است. همچنین، اهمیت برنامه‌های آموزشی مبتنی بر جامعه، حفظ دانش سنتی، انسجام جامعه و توانمندسازی تصمیم‌گیری محلی در افزایش تاب‌آوری، با مؤلفه‌های «فرایندهای تعاملی و کنش‌های فردی» و «بسترها و منابع معنایی و نمادین» در تحقیق ما هم‌خوانی دارد. درحالی‌که این پژوهش بر تاب‌آوری در مدیریت بحران (به‌ویژه در محیط ساخته‌شده) تمرکز دارد، تحقیق ما با ارائه یک چهارچوب مفهومی بومی، ابعاد ساختارهای حاکمیتی (کاهش دوقطبی‌سازی سیاسی) و منابع معنایی و نمادین را به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی و تعیین‌کننده در مدیریت مسائل هویتی مزمن (مانند حجاب) برجسته می‌سازد. ما نشان می‌دهیم که چگونه این مؤلفه‌ها، فراتر از صرف سرمایهٔ اجتماعی، در شکل‌دهی به امنیت فرهنگی پایدار نقش اساسی ایفا می‌کنند.

در مقایسه با مطالعه آلدریچ و مایر (۲۰۱۵)، این مطالعه نیز بر سرمایهٔ اجتماعی به‌عنوان عامل کلیدی بازسازی اجتماعی پس از بحران تأکید دارد و نقش پیوندهای افقی و اعتماد را برجسته می‌کند، که این با یافته‌های ما مبنی بر اهمیت «پیوندها و سرمایه‌های جمعی» هم‌خوانی دارد. حوزه تمرکز این تحقیق عمدتاً بحران‌های طبیعی و فجایع است. در مقابل، پژوهش ما به‌طور خاص به تنش‌های هویتی مزمن مانند مسئله حجاب پرداخته و بر تاب‌آوری پیشگیرانه و مدیریتی (نه صرفاً بازسازی پس از بحران) تمرکز دارد. علاوه بر این، تحقیق ما ابعاد حکمرانی (به‌ویژه کاهش دوقطبی‌سازی سیاسی) و منابع معنایی–نمادین را به‌عنوان عوامل حیاتی در این زمینه خاص، عمیق‌تر بررسی کرده است.

در مقایسه با چهارچوب نظری نوریس و همکاران (۲۰۰۸)، تعریف تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌های پویا شامل انسجام اجتماعی، ارتباطات، و شایستگی نهادی، با یافته‌های ما درخصوص اهمیت «پیوندها و سرمایه‌های جمعی» و «ساختارها و سازوکارهای حاکمیتی» هم‌سو است. تأکید آن‌ها بر نقش تعامل شبکه‌های اجتماعی و ساختارهای نهادی، همچنین بر اهمیت اعتماد و هم‌بستگی اجتماعی، با تحلیل‌های ما مطابقت دارد. درحالی‌که چهارچوب نوریس و همکاران، پایه‌ای نظری مهم برای فهم تاب‌آوری ارائه می‌دهد، تمرکز آن بر بلایا و بحران‌های عمومی است. تحقیق ما با بومی‌سازی این مفاهیم و

تمرکز بر مسائل هنجاری-فرهنگی خاص، به شکلی دقیق‌تر به «ساختارهای حاکمیتی» (با تمرکز بر کاهش دوقطبی‌سازی سیاسی و مشارکت) و «منابع معنایی و نمادین» (هویت فرهنگی، سلامت روان) پرداخته و نقش آن‌ها را در مدیریت تنش‌های هویتی نشان می‌دهد.

در مقایسه با رویکرد آدگر (۲۰۰۰)، تعریف تاب‌آوری اجتماعی به‌عنوان ظرفیت سیستم‌های اجتماعی برای مقاومت و سازگاری با شوک‌های بیرونی و تأکید بر پیوند میان ساختارهای اجتماعی و سازوکارهای انطباقی، با مفاهیم کلی تحقیق ما هم‌خوانی دارد. همچنین، اشاره به مشروعیت و اعتماد عمومی نهادها با یافته‌های ما درباره اهمیت «پیوندها و سرمایه‌های جمعی» و «ساختارها و سازوکارهای حاکمیتی» هم‌راستا است. رویکرد آدگر چهارچوبی نظری ارائه می‌دهد، اما به مسائل هویتی خاص فرهنگی به‌طور مستقیم نمی‌پردازد. تحقیق ما با تمرکز بر مسئله حجاب، این چهارچوب نظری را در بافتی عملیاتی و خاص قرار داده و مؤلفه‌هایی مانند کاهش دوقطبی‌سازی سیاسی، گفت‌وگوی بین‌نسلی و بین‌فرهنگی را به‌عنوان سازوکارهای انطباقی کلیدی در مدیریت تنش‌های هویتی معرفی می‌کند.

با در نظر گرفتن این مطالعات، می‌توان گفت که پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از مفاهیم کلیدی مطرح در ادبیات تاب‌آوری اجتماعی (مانند سرمایهٔ اجتماعی، انسجام، اعتماد، ظرفیت نهادی و فرایندهای تعاملی)، توانسته است با بومی‌سازی این مفاهیم و تمرکز بر مسائل هنجاری-فرهنگی به‌ویژه مسئله حجاب، چهارچوبی جامع‌تر و کاربردی‌تر ارائه دهد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مسئله حجاب در جامعه ایران، صرفاً یک موضوع هنجاری یا فردی نیست، بلکه پدیده‌ای چندلایه و پیوندخورده با ساختارهای هویتی، گفتمانی و نهادی است که مدیریت آن نیازمند چهارچوبی سیستمی و راهبردی است. مدل استخراج‌شده بر پایه تحلیل ۸۴ مضمون پایه و سازمان‌دهی آن‌ها در قالب ۲۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر، بیانگر آن است که تاب‌آوری اجتماعی در این حوزه، حاصل تعامل پویا میان سه سطح اصلی است: سطح ساختاری (سیاست‌گذاری و ظرفیت نهادی)، سطح میانی (انسجام، اعتماد و گفت‌وگو) و سطح عاملیتی (مهارت‌های روان‌شناختی

و کنشگری اجتماعی).

یافته‌ها نشان می‌دهد که «پیوندها و سرمایه‌های جمعی» شامل انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و کاهش شکاف‌ها، زیربنای شکل‌گیری تاب‌آوری در مواجهه با تنش‌های هویتی هستند. در این میان، «ساختارها و سازوکارهای حاکمیتی» با فراوانی ۴۳، به‌عنوان پررنگ‌ترین مضمون از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت مسئله حجاب ایفا می‌کنند. کاهش دوقطبی‌سازی سیاسی، تقویت مشروعیت تصمیمات، شفافیت سیاسی و گسترش مشارکت گروه‌های مختلف (با فراوانی ۴)، از مهم‌ترین عواملی هستند که از تبدیل اختلافات فرهنگی به گسل‌های امنیتی جلوگیری می‌کنند.

در سطح میانی، «فرایندهای تعاملی و کنش‌های فردی» با تأکید بر گفت‌وگوی بین‌نسلی (با فراوانی ۳) و بین‌فرهنگی، مدیریت تعارضات و مهارت‌های مدارا، به‌عنوان سازوکارهای کاهش اصطکاک اجتماعی عمل می‌کنند. همچنین «بسترها و منابع معنایی و نمادین» با مؤلفه‌هایی چون هویت فرهنگی، تعارضات هویتی، سلامت روان و آموزش عمومی (با فراوانی ۵)، نشان‌دهنده اهمیت ابعاد فرهنگی-گفتمانی در تحلیل مسئله حجاب هستند.

تحلیل روابط میان ابعاد نشان می‌دهد که هرگونه سیاست‌گذاری یک‌سویه و غیرمشارکتی می‌تواند به کاهش سرمایهٔ اجتماعی و افزایش شکاف‌های نسلی و ارزشی بینجامد. در مقابل، حکمرانی تسهیلگر و مبتنی بر عقلانیت ارتباطی، زمینه تبدیل تعارض به سازوکار سازنده را فراهم می‌سازد. از این منظر، تاب‌آوری اجتماعی در مسئله حجاب نه به معنای حذف اختلاف، بلکه به معنای مدیریت فعال و پیشگیرانه تنوع و تقویت ظرفیت جذب تنش در نظام اجتماعی است.

مدل پیشنهادی این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت فرهنگی پایدار، متکی بر ترکیب هوشمندانه ظرفیت‌های نهادی، مشارکت اجتماعی و توانمندسازی فرهنگی است. در این چهارچوب، ظرفیت‌های محلی و نقش نهادهای مدنی به‌عنوان سپرهای میانی جذب تنش، اهمیت راهبردی می‌یابند. همچنین توجه به سلامت روان و مهارت‌های ارتباطی، مکمل بعد ساختاری تاب‌آوری بوده و از تبدیل فشارهای اجتماعی به بحران‌های ثانویه جلوگیری

می‌کند. درمجموع، این پژوهش با ارائه چهارچوبی بومی برای تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت مسئله حجاب، نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی در مسائل هویتی، مستلزم گذار از رویکردهای قهری به رویکردهای مشارکتی، اقناعی و گفت‌وگومحور است. چنین رویکردی می‌تواند از تشدید قطبی‌سازی جلوگیری کرده و زمینه تقویت انسجام ملی و ثبات اجتماعی را فراهم سازد.

۴-۱. پیشنهادهای پژوهش

- ❖ به‌منظور ارتقای انسجام اجتماعی و پیشگیری از تعمیق شکاف‌های هویتی؛ نسبت به بهره‌گیری از مدل مفهومی تاب‌آوری اجتماعی استخراج‌شده در این پژوهش؛ از طریق بازنگری در سیاست‌های فرهنگی مرتبط با مسئله حجاب و تقویت سازوکارهای گفت‌وگومحور و مشارکتی در فرایند سیاست‌گذاری اقدام نمایند.
- ❖ به‌منظور مدیریت پیشگیرانه تنش‌های اجتماعی و کاهش دوقطبی‌سازی پیرامون مسائل هویتی؛ نسبت به طراحی و اجرای برنامه‌های تقویت گفت‌وگوی بین‌نسلی و بین‌گروهی در سطح استان‌ها؛ با اتکا به ابعاد «انسجام اجتماعی» و «اعتماد عمومی» شناسایی‌شده در این پژوهش اقدام نماید.
- ❖ به‌منظور تقویت ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای در مدیریت مسئله حجاب؛ نسبت به کاربست مؤلفه‌های «ابزارهای فرهنگی» و «روایت‌های متعادل» استخراج‌شده؛ از طریق حمایت هدفمند از تولیدات هنری، رسانه‌ای و گفتمان‌سازی اقناعی اقدام نماید.
- ❖ به‌منظور افزایش تاب‌آوری اجتماعی در سطح محلی؛ نسبت به توانمندسازی رهبران فرهنگی و شبکه‌های محلی؛ با تمرکز بر آموزش مهارت‌های گفت‌وگو، مدیریت تعارض و تقویت سرمایهٔ اجتماعی اقدام نمایند.
- ❖ به‌منظور نهادینه‌سازی مهارت‌های تاب‌آوری اجتماعی در نسل جوان؛ نسبت به گنجاندن مؤلفه‌های «مدیریت تعارض»، «گفت‌وگوی اجتماعی» و «تفکر انتقادی

سازنده» در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فرهنگی اقدام نمایند.

- ❖ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، مدل مفهومی تاب‌آوری اجتماعی استخراج‌شده در این تحقیق با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) مورد آزمون تجربی قرار گیرد تا روابط میان ابعاد شناسایی‌شده و شاخص‌های انسجام اجتماعی به‌صورت تجربی اعتبارسنجی شود.
- ❖ پژوهش‌های تطبیقی میان ایران و سایر جوامع درگیر مسائل هویتی-نمادین، به‌منظور تبیین تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی در الگوهای تاب‌آوری اجتماعی انجام شود.
- ❖ در پژوهش‌های آتی، کارکرد رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در شکل‌دِهی افکار عمومی، در نسبت با ابعاد مختلف تاب‌آوری اجتماعی به‌صورت تحلیلی بررسی شود؛ به‌گونه‌ای که تأثیر این فضاها در تقویت انسجام، اعتماد و گفت‌وگو یا بالعکس، در تشدید قطبی‌سازی و فرسایش سرمایهٔ اجتماعی، به‌طور نظام‌مند ارزیابی گردد.

تشکر و قدردانی

با احترام به شفافیت و اصول اخلاقی، پس از اعلام هرگونه تعارض منافع احتمالی، وظیفه خود می‌دانیم که مراتب سپاسگزاری عمیق و بی‌شائبه خود را نثار تمامی اشخاص حقوقی نماییم که با بذل توجه و همکاری بی‌دریغ خود، ما را در فرایند حیاتی جمع‌آوری داده‌ها یاری کردند.

تعهد و پشتیبانی این سازمان‌ها، نقشی اساسی در غنای مجموعه داده‌های گردآوری شده ایفا کرده است. دقت نظر، صرف وقت و تلاش خالصانه افراد، نه‌تنها کیفیت و جامعیت اطلاعات ما را تضمین نموده، بلکه مسیر را برای تحلیل‌های دقیق‌تر و دستیابی به نتایج قابل اعتماد هموار ساخته است. ما قدردان زحمات و گام‌های ارزشمندی هستیم که در این راستا برداشته شده است و اطمینان داریم که این همکاری سازنده، بنیان محکمی برای موفقیت پروژه‌های آتی و تحقق اهداف پژوهشی ما خواهد بود.

فهرست منابع

بی‌باک، شهرام (۱۴۰۰)، ***مطالعه پوشش زنان ایرانی و حجاب در دوره‌های تاریخی و بررسی پوشش زنان با پیشرفت و توسعهٔ اجتماعی زنان***، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، ۳ (۶).

بیرو، آلن (۱۳۷۰)، ***فرهنگ علوم اجتماعی***، باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.

پناهی، علی احمد (۱۴۰۲)، ***اهمیت تاب‌آوری در بحران‌های اجتماعی و با تأکید بر راهکارهای تقویت تاب‌آوری***»، پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ۶ (۲).

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹)، ***مدیریت مشکل، نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر مشکل در ایران***، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.

جمشیدی، شروین؛ بیات، بهرام؛ بشیری، سعید؛ صالح‌زاده، رضا (۱۴۰۰)، ***سیر تکوین و تحول الگوهای مفهومی تاب‌آوری در مدیریت بحران جوامع***، فصلنامه امنیت ملی، ۱۱ (۳۹).

چولکی، غلامرضا (۱۳۹۲)، ***نقش حجاب در امنیت و آرامش زنان در جامعه از نظر اسلام***، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، ۳ (۴).

حاجیلو، فتانه؛ رستمی، مصطفی (۱۴۰۳). ***رویکردشناسی تاب‌آوری اجتماعی برای کاهش مخاطرات***، فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی، ۱۱ (۳).

حسینی، علی؛ یدالله نیا، هاجر؛ محمدی، منصوره؛ شکاری، سعید (۱۳۹۹). ***تحلیل تاب‌آوری اجتماعی براساس شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی در شهر تهران***. مجله شهر پایدار، ۳ (۱).

حیدری، محمدتقی؛ رسول‌زاده، زهرا؛ حسنعلی زاده، میلاد؛ نصرتی هشی، مرتضی (۱۴۰۰). ***تبیین اثرات حکمروایی مطلوب شهری بر تاب‌آوری اجتماعی شهروندان در برابر اپیدمی کووید-۱۹ (مطالعه موردی: شهر تبریز)***. مجله شهر پایدار، ۴ (۴).

رحمانی، حسین (۱۳۹۸)، ***مدیریت بحران‌های طبیعی در ایران: چالش‌ها و راهکارها***، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

رضایی، علی‌اکبر؛ رشادت جو، حمیده (۱۴۰۰)، ***سرمایهٔ اجتماعی و نقش آن در مدیریت مشکل‌های اجتماعی***، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۶ (۳).

شریفی، محمد (۱۴۰۱)، ***تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت مشکل‌های ایران***، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

صادقی، شیده (۱۳۸۶)، ***حجاب و رابطه آن با تکامل اجتماعی***، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، ۴ (۱۱).

عابدی، روح اله؛ شاه‌محمدی، محمد (۱۴۰۴)، ***نقش تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی***، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، ۳ (۹).

علوی، محمد (۱۳۹۶)، ***گونه‌شناسی مشکل‌ها و مدیریت آن‌ها در ایران***، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

علی‌پور شعاری دهقانی، مریم؛ پناهی، علی؛ ولی زاده، رضا (۱۴۰۱)، ***شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بر ارتقا نظام مدیریت مشکل و تحقق تاب‌آوری (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)***، سامانه مدیریت نشریات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی.

فاضلیان، پوران دخت (۱۳۹۰)، ***بررسی رابطه نوع حجاب و سطح امنیت اجتماعی در میان زنان ایرانی***، فصلنامه مطالعات زنان، ۱ (۲).

قاسمی، محمد؛ صالحی نودز، اسما (۱۴۰۲)، ***بررسی تأثیر مدیریت مشکل اجتماع‌محور بر تاب‌آوری شهروندان در برابر بلایای طبیعی با نقش میانجی سرمایه معنوی (مطالعه‌ای در استان کرمان)***. فصلنامه مدیریت بحران، ۱۲ (۱).

قوی، نیره؛ امیرلو، معصومه (۱۴۰۰)، ***وضعیت‌شناسی عفاف و حجاب در جمهوری اسلامی ایران***، فصلنامه حقوق و سیاست، ۱۵ (۲).

کیومرث، خداپناه (۱۴۰۲)، ***تحلیل میزان تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی جوامع روستایی در برابر مخاطرات طبیعی***، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۳ (۳).

میرزائی، مجتبی؛ کرمانی، مهدی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا (۱۴۰۱)، ***رابطه الگوی کنش اقتصادی و تاب‌آوری در مواجهه با مشکل***. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۲ (۲).

وحیدی، محمد؛ رحمانی خلیلی، احسان؛ ودیعه، ساسان؛ حضرتی صومعه، زهرا (۱۴۰۳)، ***مطالعه انسان‌شناختی فرصت‌ها و تهدیدهای تاب‌آوری اجتماعی در خراسان شمالی***. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۴ (۱).

References

Adger, W. N. (2000). *Social and ecological resilience: Are they related?* Progress in Human Geography, 24(3), 347–364. https://doi.org/10.1191/030913200701540465

Akinwande, D. V., Boustras, G., Akhagba, O. M., & Benson, C. (2023). *Socio-economic impacts of crisis management: A focus on community resilience*. Journal of Disaster Risk Management, 4(2), 11. https://doi.org/10.3390/merits5020011

Aldrich, D. P., & Meyer, M. A. (2015). *Social capital and community resilience*. American Behavioral Scientist, 59(2), 254–269. https://doi.org/10.1177/0002764214550299.

Azevedo Lauren, Kaila Witkowski, Ratna Dougherty, Christa Remington (2026). "*Crisis Preparation, Capacity Building, and Community Resilience: Lessons From Maui*." Nonprofit Management and Leadership, Jan. 2026, p. nml.70037. DOI.org (Crossref), https://doi.org/10.1002/nml.70037.

Brigoglio, L., Castillo, A., & Doty, A. (2022). *Understanding social resilience: A cross-sectional study in eight countries*. Frontiers in Public Health, 10, 883281. https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.883281

Bronfenbrenner, U., & Crouter, A. C. (1982). *Work and family through time and space*. In S. Kamerman & C. Hayes (Eds.), Families that work: Children in a changing world (pp. 39–83). Washington, DC: National Academy Press.

Delpazir, A., & Sadeghi, F. (2024). "*Our house was a small Islamic republic*": Social policing and resilient resistance in contemporary Iran. Social Sciences, 13(8), 382. https://doi.org/10.3390/socsci13080382

Finkelstein, A. (2019). *Crisis management: Theoretical and practical approaches*. New York, NY: Routledge.

Gaspar, R., Domingos, S., Brito, D., Leiras, G., Filipe, J., Raposo, B., & Telo de Arriaga, M. (2020). *Striving for crisis resolution or crisis resilience? The crisis layers and thresholds model and ICT-mediated social sensing for evidence-based crisis management and communication*. Human Behaviour and Emerging Technologies, 3(3), 1–12. https://doi.org/10.1002/hbe2.234

Karla Palma, David Jofré, Susana Huenul Colicoy, Simón Inzunza, Nikole Guerrero, Valeria Cabello, Carolina Martínez Reyes, Javiera Castañeda González (2025). "*Interdisciplinarity and Local Knowledge to Foster Community Resilience in Disaster Risk Management: A Community-Based Educational Approach on the Chilean Coast*." International Journal of Disaster Risk Reduction, vol. 119, Mar. 2025, p. 105281. ScienceDirect, https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2025.105281.

Kayyal, M., & Ali, S. (2023). *The impact of mandatory hijab laws on women's rights in Iran*. Gulf Centre for Human Rights Journal, 6(1), 25–40.

Kwok, A. H., Becker, J. S., Paton, D., & Johnston, D. M. (2023). *Rethinking disaster resilience: Conceptual framework, core dimensions and key actors*. International Journal of Disaster Risk Reduction, 85, 103485. https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2023.103485

Masten, A. S. (2018). Resilience comes of age. In M. D. Glantz & J. L. Johnson (Eds.), *Resilience and development* (pp. 281–296). New York, NY: Springer. https://doi.org/10.1017/S09545 79400005812

Merçon-Vargas, E. A., Lima, R. F., Rosa, E. M., & Tudge, J. (2020). *Processing proximal processes: What Bronfenbrenner meant, what was misunderstood, and more besides*. Contextual Development, 1(1), 24–34. https://doi.org/10.1080/27527260.2020.1789209

Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). *Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness*. American Journal of Community Psychology, 41(1–2), 127–150. https://doi.org/10.1007/s10464-007-9156-6

Pearson, C. M., & Clair, J. A. (1998). *Reframing crisis management*. Academy of Management Review, 23(1), 59–76. https://doi.org/10.5465/amr.1998.192960

Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.

Rashidfarokhi Anahita, Sofie Pelsmakers, Katja Maununaho, Raul Castano de la Rosa, Heini Järventausta, Saija Toivonen, Jyrki Tarpio, Lassi Tähtinen (2026) "*Enhancing Social Resilience: The Role of Social Infrastructure in Crisis Management within the Built Environment*." Climate Risk Management, vol. 51, Mar. 2026, p. 100796. ScienceDirect, https://doi.org/10.1016/j.crm.2026.100796.

Rosa, E. M., & Tudge, J. R. H. (2023). *Urie Bronfenbrenner's theory of human development: Its evolution and contemporary applications*. Journal of Family Theory & Review, 15(3), 345–362. https://doi.org/10.1111/jftr.12506

Saja, A. A. M., Goonetilleke, A., Teo, M., & Ziyath, A. M. (2019). *A critical review of social resilience assessment frameworks in disaster management*. International Journal of Disaster Risk Reduction, 35, 101096. https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2019.101096

Saja, A. A. M., Teo, M., Goonetilleke, A., & Ziyath, A. M. (2021). *Assessing social resilience in disaster management*. International Journal of Disaster Risk Reduction, 52, 101957. https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.101957

Santiago, P., Gonzalez, A., & Fernandez, M. (2024). *Effects of resilience, social support and academic self-efficacy on mental health among Peruvian students during the pandemic*. Frontiers in Psychology, 15, 1282281. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2024.1282281

Schmidt, A., Müller, S., & Kramer, L. (2024). *A systematic review of individual, social, and community resilience factors in response to social challenges and crises*. Communication Psychology, 5, 138.

Suslovic, B., & Lett, A. (2024). *Resilience is an adverse event: A critical discussion of resilience theory in health services and public health research*. Sociology of Health & Illness, 46(2), 159–171. https://doi.org/10.1111/1467-9566.13641

Teimouri, A. (2022). *Exploring the motivations and meanings of bad-hijabi in Iran*. Violence Against Women, 28(12), 2958–2977. https://doi.org/10.1177/10778012211021655

Vigoda-Gadot, E., Cohen, N., & Mizrahi, S. (2022). *Battling COVID-19: Public personnel management, trust, and social resilience during a global crisis*. Review of Public Personnel Administration, 43(3). https://doi.org/10.1177/0734371X221090092

Zaheer, A., Hayat, U., & Bhatti, G. (2023). *Anti-hijab protests in Iran and the emerging voices of change*. International Politics and Contemporary Studies, 5(1), 112–128.

Zarei, M., Ostadtaghizadeh, A., Ardalan, A., Allahbakhshi, K., Ebadi, A., & Rahimi Foroushani, A. (2023). *Resilience of Iranian women in natural disasters: A qualitative study*. PLoS ONE, 18(10), e0291043. https://DOI: 10.1186/s12889-025-24828-0.